



لغت

لغت صوتی است که هر قوم از اغراض خویش تعبیر می‌کنند.

فهرست مندرجات

- ۱ - اصل کلمه لغت
- ۲ - تعریف لغت
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

اصل کلمه لغت

اصل این کلمه «لغوۃ» بر وزن - فعلة - است و برخی گفته اند که اصل آن «لغی» یا «لغو» می باشد. در هر صورت «تا» را بجای حرف محذوف نهاده اند. [۱] [۲]
و برخی چون شادروان دهخدا معتقدند که ریشه آن کلمه لگس Logos می باشد که یک واژه یونانی است. [۴]

تعریف لغت

لغت را چنین تعریف کرده اند: «هی اصوات یعبر بها کل قوم عن اغراضهم». [۵] [۶]
یعنی لغت صوت یا اصواتی است که هر قوم بدان از اغراض خویش تعبیر نمایند.
و به عبارت دیگر لغت لفظی است که برای معنایی وضع شده باشد. [۷]
و یا کلامی است که در میان افراد هر قومی متداول و مصطلح است. [۸] [۹]
و یا چنان‌که خواجه طوسی در اساس الاقتباس^[۱۰] می نویسد: لغت الفاطمی را گویند که تعلق به قومی خاص دارد و مشهور مطلق نبود مانند معربات در تازی و لغات قبائل.
و گاهی لغت بر جمیع اقسام علوم عربیه اطلاق می شود. [۱۱]

پانویس

- ↑ لسان العرب، ذیل «لغا»، ج ۱۵، ص ۲۵۰.
- ↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۲۱۱.
- ↑ الصحاح چاپ دارالکتب العربی، مصر، ج ۶، ص ۲۴۸۴.
- ↑ لغت نامه دهخدا، ماده «لغت».
- ↑ لسان العرب ماده «لغا».
- ↑ الکلیات (ابی البقاء الحسینی الکفوی الحنفی)، چاپ تهران، ۱۲۸۶ هـ.ق، ص ۲۹۲.
- ↑ کشف اصطلاحات الفنون، چاپ مکتبه خیام - تهران، ج ۲، ص ۱۲۱۱.
- ↑ المنجد چاپ بیروت، ص ۷۲۶.
- ↑ کلیات ابی البقاء، ص ۲۹۲.
- ↑ اساس الاقتباس، چاپ دانشگاه تهران، ص ۵۹۵.
- ↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۲۱۱.

منبع

جاری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، ص ۱۵-۱۶.